

چگونگی تحول مفهوم ازدواج در کلیسای کاتولیک و چالش‌های پیش‌رو

frahimisabet@gmail.com

meftah555@gmail.com

کلیه فاطمه رحیمی ثابت / دانشجوی دکتری مطالعات تطبیقی ادیان دانشگاه ادیان و مذاهب

احمد رضا مفتاح / استادیار گروه ادیان ابراهیمی دانشگاه ادیان و مذاهب

دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۱۴ - پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۲۱

چکیده

با نگاهی به مفهوم «ازدواج» و «خانواده» در گذشته مسیحیت، روشن می‌شود که این مفاهیم از بستر یهودی، تا نگاهی که عیسی علیه السلام به آن داشته و فهم متفاوتی که پولس و آگوستین، به عنوان مفسر و الهیدان به آن داشته‌اند، تغییرات معناداری یافته است. آنان مفهوم ازدواج را به قلمرو الهیاتی وارد کردند، به گونه‌ای که مفهوم رایج و مرسوم ازدواج و خانواده در یهودیت و مسیحیت اولیه، با رابطه محبت‌آمیز مسیح و کلیسا درآمیخت. کلیسای کاتولیک نیز در قرون وسطی، بیشتر بر بعد الهیاتی و فراطبیعی این مفاهیم تأکید کرد. اما کلیسایی که شریعت را کنار گذاشته بود، در این زمینه قوانین کلیسایی سختی را بر آن افزود و چالش‌های بسیاری را برای مسیحیان به وجود آورد. کلیسای کاتولیک، پس از شورای دوم واتیکان در رویارویی با این چالش و برای حفظ قوانین کلیسایی، و حفظ جامعه مؤمنان، باید تدابیری می‌اندیشید. پاپ ژان پل دوم و پاپ فرانسیس، بیش از دیگران تلاش کردند تا راه حلی برای این مشکل پیدا کنند. این پژوهش، با رویکردی توصیفی-تحلیلی، چگونگی فریه شدن مفهوم ازدواج، با افزودن معنایی مجازی بر آن و جنبه آیینی یافتن آن و نوعی افراط‌ورزی در قوانین کلیسای کاتولیک و پیامدهای آن را نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: کلیسای کاتولیک، ازدواج، خانواده، قوانین کلیسایی

گاهی تحول معنایی یک مفهوم، به گونه‌ای است که می‌توان برای آن تاریخچه‌ای نوشت و گاه، مفهومی ساده در گذر زمان، چنان از معنای اصلی خود فاصله می‌گیرد و دگرگون می‌شود که برای بازشناخت آن، باید تاریخچه آن را بررسی کرد. در مسیحیت، مفهوم «ازدواج» و «خانواده» و احکام مرتبط با آن، چنین سرنوشتی داشته‌اند. مفهوم ازدواج، که در زمان عیسی، مفهومی بسیط با کارکردی مرسوم بوده، در گذر زمان، افزون بر معنای واقعی و مرسوم خود، معنایی مجازی و استعاری گرفت و دچار افراط و تفریط شد. فربه شدن مفهوم ازدواج، با تأکید بر معنای استعاری آن، و در ادامه وضع قوانینی خاص، مشکلاتی را به خصوص در دنیای امروز، به دنبال داشته است که برای مسیحیان متعهد، پایبندی به آن دشوار شده و برای سایر مسیحیان عدم پایبندی به آن قوانین، جامعه ایمانی را کوچکتر کرده است. در پاسخ به وضع موجود، پس از شورای دوم واتیکان، تنها دو پاپ به طور خاص به این مشکلات توجه داشته‌اند؛ توجه ویژه پاپ فرانسیس به کار شبانی تا حدی واقع‌بینانه‌تر به مسئله نگریسته است، تا کلیسای کاتولیک، به جای تأکید بر قوانین کلیسایی، به یافتن راه حلی برای مسئله بیانیدشد.

در این پژوهش، با بررسی چگونگی تحول مفهوم «ازدواج» و «خانواده» در مسیحیت کاتولیک از ابتدا تا کنون، سعی شده است نشان دهد فاصله گرفتن از معنای مرسوم ازدواج، که در سنت یهودی و مسیحیان اولیه بود، و تحمیل بار الهیاتی به آن، از سوی الهیدان‌ها و وضع قوانین کلیسایی بعدی، چه نتایجی را برای کلیسای کاتولیک به بار آورد؟ در نهایت، آیا راه کاری که کلیسای کاتولیک امروزه برای آن ارائه می‌دهند، چاره‌ساز بوده است یا خیر؟ وجود آثار بسیار زیاد و متنوع، راجع به ازدواج و خانواده در مسیحیت، در قالب مقاله پژوهشی و یا کتاب، حکایت از اهمیت بسیار بالای این موضوع در جامعه امروز مسیحی دارد. همین تنوع و پراکندگی نظرات و پژوهش‌ها، که جز تعدادی مقاله انگشت‌شمار به فارسی، همگی به زبان انگلیسی نوشته شده‌اند، کار را با مشکل مواجه کرده است. این پژوهش، با بررسی سیر الهیاتی تغییر مفهوم «ازدواج» در مسیحیت و به طور خاص، مسیحیت کاتولیک و مشکلات برآمده از آن، سعی در تحلیل پیامد این تغییر دارد.

ازدواج در سنت یهودی

از آنجا که اولین مسیحیان در بستر دینی یهودی می‌زیستند و به‌عنوان یهودیان پیرو مسیح، خود را جدای از سنت یهودی نمی‌دیدند، ابتدا نگاهی به آداب و رسوم یهودی پیرامون ازدواج می‌افکنیم. آداب و رسوم ازدواج یهودی، در میشنا و تلمود به تفصیل آمده است. در حالی که در تورات، اشارات اندکی به آن شده است. به طور کلی، ازدواج در یهودیت بسیار تشویق شده است؛ جز فرقه‌های گمنامی مثل اسنی‌ها که مجرد زندگی می‌کردند. در سنت یهودی، ازدواج فرمانی الهی است. خدا مستقیماً به ایجاد ارتباط بین زن و مرد امر کرده است (تثیه ۱:۲۴). بنابراین، هدف ازدواج صرفاً فرزندآوری و تولید مثل نیست، بلکه یکی شدن روح زن و مرد است، به طوری که اگر ازدواج صورت نگیرد آنها ناکامل می‌مانند (تلمود بابلی، یواموت، ۶۲ ب).

در سفر پیدایش (۲:۱۸)، اشاره شده که خداوند زن را خلق کرد تا مرد تنها نباشد. بنابراین مصاحبت، عشق و صمیمیت، اولین هدف ازدواج است. ازدواج در یهودیت، جنبه آیینی ندارد. از این رو، در مراسم ازدواج نیازی به حضور ربی یا یک مقام دینی نیست. اگرچه مراسم ازدواج، با مجموعه‌ای از اعمال دینی مثل نماز و روزه همراه است، اما در این مراسم تنها کافی است مرد در صورت رضایت زن، حلقه‌ای به نشانه عهد و پیمان، در حضور شاهد به او داده، بگوید: «بدان که تو به من بر مبنای دین موسی و اسرائیل تقدیس شدی». در یهودیت، ارتباط جنسی تنها مبتنی بر ازدواج است و زنا یا محارم، زنا محصنه و هم‌جنس‌خواهی به شدت نهی شده است (لاویان ۲۰:۱۰، همو ۲۰:۱۵ و ۱۶). از سوی دیگر، یکی از وظایف مرد ازدواج و بچه‌دار شدن دانسته شده است که مبتنی بر فرمان سفر پیدایش است (۲۲:۱) و (۹:۷). در تلمود آمده است که مرد مجرد، دائماً به گناه می‌اندیشد (بلز، ۲۰۱۰). از این رو، به مجرد توصیه نمی‌شود. تنها دلیل قابل قبول برای مجرد ماندن، اشتیاق فرد به وقف زندگی خود، بر آموختن تورات است. البته آن هم باید با اطمینان فرد به داشتن توانایی کافی برای تسلط بر هوس‌های جنسی همراه باشد. در چنین موردی نیز مجرد نامطلوب دانسته می‌شود؛ چرا که فرزندآوری و زیاد شدن وظیفه است. اخلاق جنسی یهودیت، روابط جنسی را مقدس می‌شمرد (آترمن، ۱۳۸۵، ص ۲۳۳). اما در طول تاریخ، نگاهی دوگانه بر آن حاکم بوده است: از یک سو، عمل جنسی عامل توسعه زندگی در جهان الهی و کامجویی، لذتی مشروع شمرده می‌شود. از سوی دیگر، بین مراجع دینی در نوشته‌های هلاخایی، نوعی گرایش زاهدانه‌تر دیده می‌شود. اگرچه امروزه گرایش به دیدگاه‌های کمتر زاهدانه بیشتر شده است. در یهودیت، سقط جنین در شرایط عادی عملی ممنوع است، جلوگیری از بارداری و تنظیم خانواده نیز به شرطی که تکلیف «بارور شوید» (پیدایش ۱: ۲۲، ۲۸)، اجرا شده باشد یا ضرورتی ایجاب کند، پذیرفته شده است. در تورات، تعدد زوجات امری مشروع است. افرادی مثل ابراهیم، یعقوب، داوود و سلیمان نمونه‌هایی از مردانی هستند که تعدد زوجات داشتند (کتاب اول پادشاهان ۳:۱۱ کتاب دوم تواریخ ۳:۱۳). اولین بار ربی گرشوم در قرن یازدهم، تعدد زوجات را ممنوع اعلام کرد. این قانون را یهودیان اشکنازی پذیرفتند، اما یهودیان سفاردی قبول نکردند؛ امروزه قوانین مدنی اجازه آن را نمی‌دهد (بلز، ۲۰۱۰). یهودیان به طور سنتی، بنا بر سفر تثنیه (۳:۷)، تنها مجاز به ازدواج با قوم یهود هستند. هر چند امروزه ازدواج یهودی با غیریهودی هم صورت می‌گیرد. در یهودیت، طلاق بر خلاف مسیحیت ممنوع نیست، اما نارواست و حق انحصاری شوهر محسوب می‌شود که با دادن سند و امضاء، دو شاهد به زن اعلام می‌کند که دیگر همسر او نیست و او مجاز است با هر مردی ازدواج کند (آترمن، ۱۳۸۵، ص ۲۴۳).

به این ترتیب، مسئله ازدواج در یهودیت، همان معنای مرسوم را داشته و با ارائه چارچوب و قوانین دینی به آن، بار حقوقی داده شده است. به نظر می‌رسد، برخی قوانین مسیحی درباره ازدواج، تغییرات محسوسی یافته‌اند. حال باید دید که آیا این تغییرات، برگرفته از نوع نگاه الهیاتی متفاوت مسیحیت به ازدواج و اخلاق جنسی است، یا این‌که قوانین مسیحی در باب ازدواج و خانواده، در طول تاریخ و به اقتضای زمان و نیاز آن روز تغییر یافته‌اند و این قوانین چه تبعاتی داشته است؟ برای روشن شدن این موضوع، نگاهی به دیدگاه‌های عیسی، پولس و آگوستین خواهیم افکند.

ازدواج از نظر عیسی

مهم‌ترین آیات کتاب مقدس، درباره ازدواج و طلاق، که منسوب به عیسی است و بعدها بسیار جنجال‌برانگیز شد، در (متی ۱۹: ۱-۴؛ مرقس ۱۰: ۱-۱۲) آمده است. در این آیات، عیسی در پاسخ به برخی از فریسیانی، که حکم طلاق را پرسیده بودند، با استناد به تورات (پیدایش ۲۷: ۱، ۲۵؛ ۲۴: ۲) طراحی ازدواج را از سوی خدا دانسته، اتحاد و پیوند زن و شوهر را به گونه‌ای می‌داند که جدایی‌ناپذیر است. وی دلیل حکم جواز طلاق از جانب موسی را سنگدلی مردم معرفی می‌کند و خود، این چنین حکم می‌دهد که هر کس زن خود را به غیر علت زنا طلاق دهد و دیگری را نکاح کند، زانی است و هر که زن مطلقه‌ای را نکاح کند، زنا کرده است. وقتی شاگردان عیسی، از سختی این حکم و ترجیح تجرد می‌گویند، عیسی به آنان پاسخ می‌دهد که تجرد موهبتی است که به همه داده نشده است.

رهبران کلیسای کاتولیک، ادعا می‌کنند که فرمان فسخ‌ناپذیری ازدواج از سوی عیسی صادر شده است، اما برخی بر این باورند که با بررسی دقیق‌تر این آیه، مشخص می‌شود که برخی از فریسیان، نظر عیسی را به عنوان یک ربی یهودی متعهد، به خاطر اختلافی که بین آن‌ها ایجاد شده بود، می‌پرسند؛ چرا که مکتب ربی شمائی معتقد بود: مرد فقط در صورت زنا حق طلاق همسرش را دارد. اما مکتب ربی هیلل، اجازه می‌داد که مرد همسرش را به هر دلیلی طلاق بدهد. گویا، عیسی طرفدار فسخ‌ناپذیری ازدواج نبوده است. با توجه به جایگاه و موقعیت ضعیف زنان در فلسطین در دوره‌ای که عیسی می‌زیست، این‌گونه به نظر می‌رسد که قانون عدم جواز طلاق به هر دلیلی، نوعی حمایت از زنان باشد؛ چرا که در آن روزگار، مرد حتی می‌توانست در صورتی که زنی زیباتر از همسر خود یافت، او را طلاق دهد؛ زنان حتی اجازه خواندن تورات و شرکت در مراسم عبادی را نداشتند. مردان نیز در نیایش‌های روزانه در آیین شکرگزاری، خدا را سپاس می‌گفتند که زن خلق نشده‌اند و یهودیان آن روز، زنان و کودکان را هم شمار و در طبقه بردگان می‌دیدند. افزون بر این، برخی از الهی‌دان‌ها همچون هانس کونگ معتقد است: برداشت مسیحیان آن روز از سخنان عیسی در باب طلاق، نه به عنوان قانون، بلکه به عنوان رهنمودی اخلاقی بوده است. هانس کونگ در کتاب زن در مسیحیت (کونگ، ۲۰۰۲، ص ۲)، با اشاره بر جایگاه اجتماعی و قانونی پایین زنان در آن زمان، قانون ممنوعیت طلاق به هر دلیلی، از سوی عیسی را برای بالا بردن موقعیت زنان می‌داند (مفتاح و عبدالهی، ۱۳۹۶، ص ۱۸).

روشن است که در کتاب مقدس، سخنانی منسوب به عیسی دیده می‌شود که به ظاهر علیه خانواده است (متی ۱۲: ۴۶ - ۵۰). اما با توجه به فضای سیاسی آن روز، که امپراتور خود را پدر دولت و خانواده‌اش را خانواده دولت می‌نامید، می‌توان گفت: عیسی در مقام بیان رسالت افراد در آن موقعیت خاص، به این نکته توجه می‌دهد که خانواده حقیقی، خانواده ایمانی است، نه خانواده قانونی و نسبی؛ هر که برادر یا خواهری دارد، عضوی از خانواده خداست و تأکید شده که اراده خدا را محقق کند. بنابراین، پیوند خونی در درجه دوم قرار می‌گیرد. اما با این حال، عیسی هیچ مشروعیتی برای قانون تجرد قرار نداده است، همچنان که در کتاب مقدس عبری، هیچ موردی را

نمی‌توان یافت که کاهنان، مجرد را برگزینند. شاگردان عیسی، هم متاهل بودند و حتی ازدواج مجدد داشتند، از این‌رو، پولس خود را استثنا می‌داند (سویدلر، ۱۹۷۱).

بنابراین، می‌توان گفت: عیسی به عنوان کاهن یهودی متعهد، صرفاً در جهت اصلاح وضعیت اجتماعی زنان، توصیه‌هایی اخلاقی داشته است. گویا به عدم جواز طلاق به طور مطلق، و تغییر احکام یهودی حکم نکرده است. همان طور که سیره او و حواریون، حاکی از این است که در سایر موارد نیز بر طبق همان قوانین و سنن یهودی، زیست و رفتار می‌کرد. مفهوم ازدواج و خانواده در زمان عیسی، با همان معنای مرسوم خود رواج داشته است.

ازدواج از نظر پولس

بی‌شک پولس، یکی از تأثیرگذارترین افراد در تغییر معنای رایج و مرسوم ازدواج، به نگاهی الهیاتی است. وی برای اولین بار از استعاره عشق مسیح، به کلیسا به عنوان مدلی برای خانواده مسیحی استفاده کرد (افسیان ۵: ۲۲-۲۳). پولس معنای طبیعی و رایج خانواده را به شکل استعاری بیان کرد و مسیحیان را به عنوان خانواده‌ای مقدس و ابدی، اعضای یک بدن و برای همدیگر می‌دید. او در این آیات، با به کارگیری تعابیری استعاری از مسیح و کلیسا، درباره تعهداتی که زن و شوهر نسبت به همدیگر دارند، سخن گفته، الگوی اطاعت زن از شوهر، براساس عشقی متقابل را با استعاره مسیح و کلیسا توضیح می‌دهد و از ارتباط بین مسیح و کلیسا استفاده می‌کند تا چگونگی محبت و تسلیم همسران به یکدیگر را بیان کند، ولی تأکید می‌کند: «این سرّی عظیم است لیکن من درباره مسیح و کلیسا سخن می‌گویم» (افسیان ۵: ۳۳). گویا این تعبیر پولس، بیشتر برای تبیین رابطه مسیح و کلیسا بوده، اما با استعاره‌ای که برای آن به کار برده است، راه را برای معنای استعاری و فراطبیعی ازدواج گشوده است، به گونه‌ای که بعدها شاهد بازتاب این اتحاد؛ یعنی اتحاد مسیح (به عنوان داماد) و کلیسا (به عنوان عروس) و ارتباط آن با پیوند ازدواج خواهیم بود.

نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد، نوع نگاه پولس به مقوله ازدواج و مجرد و به طور کلی، نگرش او نسبت به میل جنسی است. اخلاق جنسی مسیحیت، از گذشته تا به امروز، تغییراتی محسوس داشته است. مسیحیان امروز، ازدواج را بهترین قلمرو برای ارضای میل جنسی می‌دانند، اما پولس ازدواج را مکانیزی برای خاموش کردن میل جنسی می‌دانست. در واقع، او میل جنسی را به عنوان یک میل نمی‌شناخت و آمیزش جنسی، در قالب ازدواج را مانعی برای ایجاد این میل می‌دانست. پولس معتقد بود: میل جنسی می‌تواند و می‌باید کاملاً ریشه‌کن شود، حتی اگر لازم باشد، این کار از طریق آمیزش جنسی صورت گیرد. ریشه این اندیشه را می‌توان در رواقیون جست‌وجو کرد: آن‌ها نیز بر آمیزش جنسی بدون ارضاء تأکید می‌کردند؛ چرا که معتقد بودند: امیال باید کنترل شود. کنترل میل جنسی در امپراتوری رم، دست کم نزد بسیاری از اندیشمندان نیز رایج بود. اما منطق و عقلانیت آن، در گروه‌های مختلف متفاوت بود. پولس هم در این فضای فکری، در پی ریشه‌کنی و نابودی میل جنسی بود. او در اول قرن‌تین، به این نکته اشاره می‌کند که افرادی که قدرت مجرد ندارند، باید ازدواج کنند. اما کسانی که می‌توانند مجرد بمانند، باید ازدواج نکنند و عفت پیشه‌کنند. نکته محوری در این استدلال، این است که ازدواج برای افرادی است که قدرت

مهار جنسی را ندارند؛ چرا که «ازدواج بهتر از سوختن در آتش هوس است» (اول قرتیان؛ ۹:۷). پولس، در تمام این بخش، از افرادی سخن می‌گوید که در کنترل میل جنسی خود مشکل دارند (اول قرتیان: ۲:۷، ۵، ۹، ۳۶). پولس میل و اشتیاقی به امور جنسی را شعله‌ای در درون انسان می‌داند که باید خاموش شود. مسیحیان تنها می‌توانستند هنگام ضرورت از طریق ازدواج، روابط جنسی داشته باشند. ضمن اینکه این روابط نمی‌بایست با هدف ارضاء این میل باشد. بنابراین، ازدواج انتخاب مسیحیان ضعیفی بود که نمی‌توانستند از میل جنسی بپرهیزند و مجبور بودند از طریق ازدواج، این شعله درونی را خاموش کنند. در واقع، پولس ازدواج را راهکاری برای جلوگیری از زنا و آتش هوس می‌داند و مجوز آن را صادر می‌کند، در حالی که تجرد را ترجیح می‌دهد (ماکسنس، ۱۹۹۷، ص ۵).

عقیده پولس مبتنی بر جهان بینی او نسبت به دنیا و انسان بود و از میل جنسی، به عنوان وجهی آلوده، که سلامت بدن مسیحیان و بدن مسیح را تهدید می‌کند، واهمه داشت. پولس انسان را موجودی می‌دید که از طریق نیروهای کیهانی‌ای که از بیرون بر او تحمیل می‌شود، دائماً در معرض خطر است؛ نیروهایی که می‌توانند وارد او شوند و او را آلوده کنند (همان، ص ۷). بنابراین، تأکید او بر اینکه از امیال، حتی به شکل روابط جنسی در قالب ازدواج، باید به طور کامل جلوگیری کرد، در این نظام فکری کاملاً منطقی و معقول به نظر می‌رسد. این امر، بازتاب دیدگاه او راجع به انسان و وضعیت او در جهان است. اما از سوی دیگر، باید به این نکته توجه داشت که پولس دیدگاه انتقادی خود را در مقابل فرقه انکراتیک^۱ بیان می‌کند (اول تیموتاؤس ۴: ۵-۱) و هرگز حکم به منع ازدواج نمی‌دهد. به طور کلی، از نگاه پولس «زندگی در روح» و فاصله گرفتن از خواهش‌های نفسانی، بسیار مهم‌تر از ازدواج است (اول قرتیان ۷: ۲۹-۴۰).

به نظر می‌رسد، تمام نوشته‌های پولس سعی دارد با نظم و چینی نو، براساس آداب و رسوم و فرهنگ آن روز و در چالش با اندیشه‌های مخالف، مفهوم «ازدواج» و «خانواده» را بازتعریف کند. او ضمن اینکه توصیه به تجرد می‌کند، معنی برای ازدواج قرار نمی‌دهد و بدون اینکه از قوانین و سنن یهودی فاصله بگیرد با هدف تبیین مفهوم الهیاتی رابطه محبت‌آمیز مسیح و کلیسا از استعاره ازدواج و خانواده کمک می‌گیرد. بدین ترتیب، برای اولین بار برای مفهوم «ازدواج» و «خانواده»، علاوه بر معنای حقیقی و مرسوم خود، معنایی استعاری نیز مطرح می‌شود.

ازدواج از نظر آگوستین

پس از پولس؛ این آگوستین بود که به عنوان الهی‌دان و مفسر بزرگ قرن ۴ و ۵، با تئوریزه کردن الهیات پولس، در ایجاد رنگ و بوی الهیاتی، به پیوند ازدواج قدمی مؤثر برداشت. در این دوره، به تدریج فرهنگ مسیحی بر فرهنگ هلنی غلبه می‌یافت و زمان آن رسیده بود که مسیحیت، هویت مستقل خود را با ارائه نظریات الهیاتی، از سوی الهی‌دان‌ها شکل دهد و راست‌کیشی از بدعت بازشناخته شود. در آن روزگار، هر فردی که در ورطه زهدگرایی می‌افتاد، بر چسب مانوی یا انکراتیک می‌گرفت. بنابراین، لازم بود مرز بدعت و راست‌کیشی مشخص شود. در این میان، راهب جووینیان (Jovinian)، الهی‌دانی بود که ارزش رهبانیت و بکارت را بالاتر از ازدواج نمی‌دانست و ارزش

تمام مسیحیان تعمیم‌یافته، چه آنها که زهد پیشه می‌کنند و مجرد را برمی‌گزینند و چه آنهایی که ازدواج می‌کنند، را یکسان می‌انگاشت. در مقابل او، افرادی مثل پاپ سیرسیوس (Pope Siricius)، آمبروس و جروم قرار داشتند که جروم بیشتر از سایرین بر زهدگرایی و اهمیت مجرد تأکید داشت و مجرد را به خصوص بر تمام راهبان لازم می‌دانست. به نظر جروم بهترین چیز راجع به ازدواج این بود که باکره‌های بیشتری را برای خدمت به کلیسا به وجود می‌آورد. جروم و هم‌فکرانش، رهبانیت را درمانی برای ماهیت سقوط کرده انسان و برای حیات کلیسا مفید می‌دانستند (تمرمان، ۲۰۱۱، ص ۸۲). برخی، دیدگاه افراطی جروم را محکوم می‌کردند و او را تحت تأثیر دیدگاه مانویان می‌دیدند. در این میان، افرادی مثل آگوستین تلاش کردند تا جایگزینی برای نظریات جووینیان و جروم، البته بدون محکوم کردن جروم، بیاورند. آگوستین، این راه میانه را در رساله‌ای تحت عنوان «(در باب خوب بودن ازدواج)» (on the good of marriage) شرح می‌دهد. البته باید گفت: پیشینه زندگی آگوستین نیز بر نظریات او راجع به غریزه جنسی بی‌تأثیر نبوده است. او با شرح زندگی‌اش، خود را اسیر غریزه جنسی و درگیر گناهان می‌دید و در اعترافات خود، غریزه جنسی را منفی توصیف می‌کند و آن را بیماری، اختلال و فساد می‌داند؛ چیزی غیرعقلانی که انسان بدون کمک خدا، قادر به کنترل آن نیست. در واقع، خاموش کردن میل جنسی، آخرین سد بین آگوستین و خدا برای سرسپردگی کامل او به خدا بود، زیرا او مطمئن بود که نمی‌تواند مجرد زندگی کند. البته آگوستین تنها فردی نبود که نگرش منفی به مسائل جنسی داشت. در روزگار او، زهدورزی رواج داشت، بسیاری از افراد داوطلبانه در مجرد می‌زیستند تا بتوانند به طور کامل خود را وقف خدا کنند (جی‌هانتز، ۲۰۰۷، ص ۲۷۶).

در بخش‌هایی از کتاب *شهر خدا* نیز می‌توان این بدبینی را ردیابی کرد. آگوستین، شهوت و آمیزش جنسی را موجب شرمساری می‌دانست؛ چیزی که با وجود ضرورت برای تولیدمثل، حتی در ازدواجی عقیقانه نیز با شرم همراه است. به نظر او، شهوت پس از گناه نخستین پدید آمد، در واقع کیفر نافرمانی آدم و حوا بود. خدا پیش از گناه نخستین، به ازدواج برکت داد و انسان را به بارور و کثیر شدن در زمین ترغیب کرد، اما تولیدمثل پیش از گناه، بخشی از جمال ازدواج بود، نه ناشی از مجازات گناه (آگوستین قدیس، ۱۳۹۲، بند: ۱۰۷۶؛ ۶۴۹؛ ۱۰ - ۶۰۷). با این حال، شاید بتوان نظریات آگوستین را منشأ بدبینی مسیحیت به امور جنسی دانست.

آگوستین در رساله *در باب خوب بودن ازدواج* می‌گوید: ازدواج اولین اتحاد طبیعی جامعه بشری و پیوند درستی است. ازدواج امری پسندیده است. بنابراین، نباید ترک شود. او ضمن اشاره به تولید نسل متفاوت آدم و حوا، قبل از سقوط آنها، یکی از دلایل خوب بودن ازدواج را نه فقط به خاطر تولید نسل، بلکه به خاطر مشارکت طبیعی بین دو جنس، و خیر دیگر ازدواج را وفاداری همسران به یکدیگر می‌داند که به دنبال، رد و بدل کردن سوگند وفاداری بین آنها در هنگام ازدواج در کلیسا ایجاد می‌شود. او این وفاداری را به خاطر فرزندآوری و نیز ضعف زوجین لازم می‌داند و آن را حتی هنگام طلاق، ناگسستی به حساب می‌آورد. به نظر آگوستین ازدواج باید دائمی باشد و منعی برای فرزندآوری نداشته باشد. اما ازدواج مجدد، حتی برای تولید نسل جایز نیست. آگوستین، قدرت پیوند ازدواج را در

فیض بخش بودن آن می‌داند، به طوری که حضور فیض بخش عیسی موجب می‌شود این پیوند حتی با متارکه زوجین باطل نشود (نایت، ۲۰۱۷).

آگوستین اصطلاح (quoddam sacramentum) را در این رساله، به صورت مبهم توضیح می‌دهد و از نوعی فیض سخن می‌گوید که حتی پس از طلاق هم باقی می‌ماند. بعدها، وی در شرح آن می‌گوید: ازدواج در کلیسا، نوعی فیض بخشی زناشویی است که حتی پس از مرگ همسر نیز از بین نمی‌رود، اما سپس، ادعا می‌کند که این فیض بخشی، تنها در اولین ازدواج رخ می‌دهد نه ازدواج دوم، حتی اگر این ازدواج دوم پس از مرگ همسر رخ دهد. منطقی که آگوستین برای آن دارد، این است که این آیین فیض بخش، تصویری از ارتباط منحصر به فرد یک مسیح با یک کلیسا است. بنابراین، تنها بین یک مرد و یک زن، با اولین همسرش می‌تواند رخ دهد. سرانجام، آگوستین تقدسی ویژه در وصف این آیین فیض بخش می‌آورد که آن را فسخ ناپذیر می‌کند (مورتوز، ۲۰۱۵، ص ۱۵۶).

آگوستین، در بخشی از کتاب **در باب خوب بودن ازدواج**، ارزش خویشتن داری و ازدواج را با هم مقایسه کرده، معتقد است: هر دو خوب هستند، اگرچه خویشتن داری و مجرد بهتر است. به نظر او، ازدواج با هدف تولیدمثل و بقای نسل پسندیده است. بنابراین، کسی که نمی‌خواهد با این هدف ازدواج کند، مجرد بماند بهتر است. اما کسی که توانایی مجرد ماندن و خویشتن داری ندارد، باید ازدواج کند. البته این ازدواج، نباید با هدف ارضاء میل جنسی صورت گیرد. در این صورت، گناه صغیره است، هر چند به هر حال اگر با این هدف صورت بگیرد، باز بهتر از ارتکاب زناست که گناهی کبیره است. در نهایت، کسی که بخواهد خود را وقف خدا کند، مجرد را ترجیح می‌دهد. اما اگر قادر بر آن نیست، به خاطر خدا برای فرزندآوری و (پر کردن شهر خدا) ازدواج کند.

آگوستین در ادامه و در تقدیس پدران از عهد قدیم، که ازدواج مجدد داشته‌اند، تفاوت ازدواج در عهد قدیم و عهد جدید را بیان می‌کند. به نظر او، در گذشته ازدواج مجدد ممکن بود و پدران مقدس آن را به خاطر وظیفه فرزندآوری و بقای نسل انجام می‌دادند. /برهیم، با وجود اینکه ازدواج کرد، خویشتن دار هم بود. همان‌طور که مسیح زاهد بود. در حالی که می‌خورد و می‌نوشید. اما اکنون ازدواج در شهر خدا، براساس فیض بخشی آن جدایی ناپذیر است و حتی اگر امکان فرزندآوری نباشد، ازدواج مجدد ممکن نیست؛ مرد تنها می‌تواند یک همسر داشته باشد که نشانه وحدت شهر خداست (نایت، ۲۰۱۷).

بیان الهیاتی خاص آگوستین، در توصیف مفهوم کاملاً رایج و طبیعی ازدواج، به مفهومی فراطبیعی و الهیاتی، با به کارگیری مجاز و استعاره و به دنبال تفسیر الهیات پولس، به تدریج ازدواج را وارد گفتمان کلیسا کرد. اکنون ازدواج بیشتر نماد و سنبُل ارتباط با خدا شده بود و بر معنای مجازی ازدواج، بیش از معنای حقیقی و مرسوم آن توجه می‌شد. پولس، یکی شدن زن و مرد با ازدواج را سرّی عظیم می‌دانست، اما تأکید می‌کرد که سخن او در باب کلیسا و مسیح است (افسیسیان ۳۳:۵). آگوستین نیز با ارجاع به این سخن پولس، به طور خاص اذعان داشت که من ازدواج را برای مسیح و کلیسا به کار می‌برم. بنابراین، می‌توان گفت: آگوستین موجب شد ازدواج جزو آیین‌های

فیض بخش بشمار آید. ازدواجی که به خاطر تاکید بر معنای استعاری آن و پیوند با مسیح و کلیسا دیگر قابل فسخ نیست و ناگسستی است؛ حتی با حکم عدم جواز ازدواج مجدد، تکرار پذیر هم نیست.

مفهوم ازدواج در کلیسای کاتولیک و تعیین قوانین کلیسایی

آگوستین صرفاً بحث ازدواج را با مبحث پیوند مسیح و کلیسا و حضور فیض بخش عیسی، هنگام پیوند زوجین وارد قلمرو الهیات کرد و معنایی فراطبیعی بر آن افزود. اما پس از او، در حال و هوای قرون وسطی، که کوچک‌ترین مسئله الهیاتی وارد بحث‌های مفصل و پردامنه الهی‌دان‌ها می‌شد، معنای فراطبیعی ازدواج نیز بسیار بحث‌برانگیز شد. در این دوره، بحث بر سر این بود که چه بخشی از ازدواج، جوهر و اصل آن است که فیض به آن تعلق بگیرد؟ آیا پیمان و عهده‌ی که زوجین با رضایت خود بسته‌اند، بخش اصلی ازدواج است، یا صورت و شکل ظاهری مراسم ازدواج و محتوای آن، یا مجری و کشیشی که به این مراسم برکت می‌دهد؛ کدام یک جزء اصلی ازدواج و در نتیجه، آیین فیض بخش محسوب می‌شود؟ نظرات متعدد و مختلفی مطرح شد. اما در نهایت، دیدگاه *توماس آکوئیناس* پذیرفته شد. به نظر *توماس*، کسب فیض ازدواج با پیمانی است که بین زوجین و از روی رضایت آنها بسته می‌شود؛ چرا که زن و مرد با این پیمان، خود را در اتحاد بین مسیح و کلیسا شریک می‌کنند. پس جوهر این آیین فیض بخش، قدرت اتحاد مرد و زن (در حضور کشیش) است، نه برکتی که کشیش از طریق کلیسا به آنها می‌دهد. هر چند *توماس*، پیش از این در اثر قبلی خود به نام (*summa contra gentiles*)، دیدگاهی متفاوت مطرح کرده، معتقد بود: مراسم ازدواج بدون حضور کشیش و برکت او، اگرچه معتبر است، اما صورتی فیض بخش ندارد. وی کسب فیض ازدواج را از طریق برکتی می‌دانست که کشیش به آن می‌داد (نایت، ۲۰۱۷).

بحث‌ها در همین جا خاتمه نیافت. از آنجا که فیض به پیوند رضایت‌مندانه زوجین، با قوانین و شرایط خاص کلیسایی تعلق می‌گرفت، باید بین اعلان این پیوند از سوی زوجین، که علامت و نشانه پیروزی این فیض است و ادامه و بقای این فیض، که در طرح و نقشه الهی، مادام‌العمر است، تفاوت قائل می‌شدند؛ یعنی تشکیل پیوند در اختیار زوجین است، اما جوهر این پیوندی که شکل مادام‌العمری دارد، از سوی خدا تنظیم شده است. هر چه بر بعد فراطبیعی و الهیاتی ازدواج بیش‌تر تأکید می‌شد، بحث‌ها عمیق‌تر و جزئی‌تر و در نتیجه، شرایط و قوانین سخت‌تر و پیچیده‌تر می‌شد و تخطی از آن، تبعاتی را به دنبال داشت که با تأکید بر بعد فراطبیعی ازدواج، رنگ دینی می‌گرفت و آن را محال می‌نمود.

نکته‌ای که باید به آن توجه داشت، اینکه بحث فیض بخشی مراسم ازدواج چیزی نبود که مورد توافق همه الهی‌دان‌ها باشد. از همان ابتدا، صداهای مخالف شنیده می‌شد. اما اقتدار کلیسای مرجع، اجازه بروز آن را نمی‌داد و فوراً با حکم و فتوایی از سوی موافقان، این اعتراضات در نطفه خفه می‌شد، سرانجام، اواخر قرون وسطی، که نه تنها بین برخی از الهی‌دان‌ها، بلکه بین مردم عادی نیز بعد فراطبیعی و فیض بخشی ازدواج اهمیت بالای خود را از دست داد. گفته می‌شود کلیسای کاتولیک، در پاسخ به کاتارها (*catharism*) و محکومیت آنها در شورای ورونا (Verona of

(Council)، در سال ۱۱۸۴ برای اولین بار به طور رسمی، ازدواج را به عنوان آیینی فیض‌بخش عنوان کرد. پس از آن، در سال ۱۲۰۸، پاپ اینوسنت سوم (Pope Innocent III)، در مقابل گروه دیگری از مخالفان یعنی والدنسی‌ها (waldensians)، حکم فیض‌بخشی ازدواج را تکرار کرد و در شورای چهارم لاتران (council of Lateran fourth) (۱۲۱۵)، این حکم مطرح شد. ازدواج به عنوان هفتمین آیین فیض‌بخش در شورای دوم لیون (second council of Lyon) در سال ۱۲۷۴ به عنوان بخشی از عمل ایمان و در شورای فلورانس (۱۴۳۹)، بار دیگر ازدواج به عنوان آیینی فیض‌بخش مطرح شد. سرانجام، کلیسای کاتولیک در قرن شانزدهم، با افزایش گروه‌های طرفدار نهضت اصلاح دینی، در مقابل آنها موضعی سخت گرفت. بر طبق دیدگاه پروتستان‌ها، از بین هفت آیین فیض‌بخش، فقط دو مورد یعنی غسل تعمید و عسای ربانی، مبنای کتاب مقدسی درستی دارند و سایر آیین‌ها، از جمله آیین ازدواج برابند اندیشه و تفسیر الهی‌دان‌های قرون وسطی بودند. کالون، در کتاب مبادی خود آورده است: مراسم ازدواج که به اعتقاد کاتولیک‌ها، مبنای الهی دارد و آیین فیض‌بخش محسوب می‌شود، اولین بار از سوی گریگوری کبیر (۵۴۰-۶۰۴)، به عنوان آیین فیض‌بخش تلقی شده بود. لوتر نیز آن را ابداع مردان کلیسا می‌دانست که از روی نادانی، نسبت به موضوع مطرح شده بود.

کلیسای کاتولیک در واکنش به نهضت اصلاح دینی، در شورای ترنت (۱۵۴۵-۱۵۶۳)، رسماً ازدواج را به عنوان آیین فیض‌بخش هفتم، در فهرست خود جای داد و آن را به شکل نظری تدوین کرد. این شورا، در مقابل نگاه عرفی پروتستان به ازدواج و ترجیح آن به تجرد، اعلام کرد که جایگاه تجرد فرخنده‌تر از اتحاد با مسیح از طریق ازدواج است (The council of Trent, session 24) و در قوانین کلیسایی خود اعلام کرد:

اگر کسی بگوید مراسم ازدواج حقیقتاً آیین فیض‌بخش نیست و برگرفته از قوانین انجیلی که از سوی مسیح بنا شده نمی‌باشد و بگوید که از سوی افرادی در کلیسا به وجود آمده و منتقل‌کننده فیض نیست، ملعون باد. به اعتقاد کلیسای کاتولیک، آیین‌های فیض‌بخش با رشدی تاریخی، به تدریج مطرح شده‌اند. اما حقیقت وجود آنها را می‌توان به دوران حواریون و رسولان نسبت داد؛ هر چند کاتولیک‌ها خود اذعان می‌کنند که پولس در رساله به افسسیان به فیض‌بخش بودن ازدواج صرفاً «اشاره کرده است» (نایت، ۲۰۱۷).

تاریخ کلیسای کاتولیک، به روشنی نشان داده که هر چه دیوار بلند الهیاتی هویت کاتولیکی، بیشتر در معرض ویرانی قرار گرفته است، کلیسای کاتولیک با وضع قوانین سخت‌تر، عنان را محکم‌تر کشیده است تا هم‌چنان مرزهای خود را حفظ کند. بر همین اساس، شورای ترنت در سال ۱۵۶۳، به دنبال کنترل کلیسا بر فرایند ازدواج اعلامیه (Tametsi) را وضع کرد که بر طبق آن، اعتبار ازدواج در صورت حضور یک کشیش و دو شاهد در مراسم ازدواج، حاصل می‌شود تا انتقال فیض صورت گیرد. این اعلامیه، در همه جا اجرایی نشد تا اینکه در سال ۱۹۰۷، اعلامیه (Ne Temere)، قوانین سخت‌تری را وضع کرد که شرایط اعتبار ازدواج را به تفصیل بیان می‌کرد. بر طبق این اعلامیه، که در قوانین کلیسایی آمده است، ازدواج معتبر از دیدگاه کاتولیک ازدواجی است که زوجین منعی برای

ازدواج نداشته باشند؛^۲ زوجین آزادانه رضایت خود را اعلام کنند. ازدواج آنها مادام‌العمر، وفادارانه و با رضایت بر فرزندآوری باشد و رضایت آنها به شکل رسمی و قانونی، یعنی در حضور دو شاهد و مرجع رسمی کلیسایی اعلام شود (قوانین کلیسای کاتولیک، ۱۹۸۳، ۱۰۵۵-۱۱۶۵).

شکل رسمی و قانونی ازدواج، در قوانین کلیسای کاتولیک فهرست شده است. هر چند استثنائاتی نیز برای این قوانین، در شرایط خاص قائل می‌شدند. به نظر کلیسای کاتولیک، تخطی از برخی از قوانین کلیسا ممکن است ازدواج را غیرقانونی کند، اما نامعتبر نمی‌کند. در حالی که برخی شرایط، از دیدگاه کاتولیک ذاتی ازدواج هستند و نبودن این شرایط، خود به خود ازدواج را نامعتبر می‌کند؛ گویا اصلاً ازدواجی صورت نگرفته است. بر طبق قانون کلیسایی، پیوند ازدواج بین زن و مرد پس از مقاربت، از آنجا که یک آیین فیض محسوب می‌شود، دیگر هرگز قابل فسخ نخواهد بود و در چنین ازدواجی، طلاق جایز نیست (ای-مایک، ۲۰۰۷، ص ۱۵). بنابراین، وقتی برای کلیسا محرز شود که ازدواج نامعتبر بوده است، آنها باطل بودن ازدواج را اعلام می‌کنند؛ گویی اصلاً ازدواجی وجود نداشته است و این با طلاق، که از دیدگاه کاتولیک ممنوع است، متفاوت است؛ چرا که بعد فراطبیعی و فیض‌بخشی ازدواج، که حاکی از پیوند و اتحاد مسیح با کلیسا است، فسخ‌ناپذیر است طلاق را غیرممکن می‌کند. کلیسای کاتولیک، با تلفیق این تفسیر الهیاتی و با تفسیری که از گفته عیسی در کتاب مقدس، در باب ممنوعیت طلاق و ازدواج مجدد و مترتب شدن حکم زنا بر آن داشت (مرقس ۱۰: ۱۱-۱۲)، قانون کلیسایی ۹۱۵ را تدوین کرد که چالشی جدید پدید آورد. بر طبق قانون کلیسایی ۹۱۵، افرادی که علناً و سرسختانه بر گناه کبیره خود پافشاری می‌کنند، اجازه شرکت در آیین عشای ربانی را ندارند. بنابراین، افرادی که طلاق مدنی گرفته و سپس مجدداً ازدواج کرده‌اند، مرتکب زنا، که گناهی کبیره است، شده‌اند. باقی ماندن در این ازدواج، به معنای پافشاری بر گناه کبیره است. پس چنین افرادی، حق شرکت در آیین عشای ربانی را ندارند. کلیسا صرفاً در مواردی خاص، اجازه متارکه به زوجین می‌دهد؛ بدون اینکه طلاق یا فسخ ازدواج صورت گیرد؛ چرا که گسسته شدن پیوند زن و مرد، به معنای از بین رفتن اتحاد ناگسستی مسیح و کلیساست (تعالیم کلیسای کاتولیک، ۱۳۹۳، بندهای ۱۶۴۹-۱۵۱). اما در صورتی که یکی از زوجین مرتکب زنا شود، یا یکی از آنها همسر یا فرزندان خود را در معرض خطر روحی یا جسمی قرار دهد و با آنکه به گونه‌ای دیگر زندگی مشترک را دچار سختی نماید، کلیسا صرفاً اجازه متارکه به آنها می‌دهد و آنها را تشویق می‌کند که پس از رفع مانع، به زندگی مشترک خود بازگردند (قوانین کلیسای کاتولیک، ۱۹۸۳، ۱۱۵۲-۱۱۵۴).

به این ترتیب، با رسمیت یافتن الهیات فیض‌بخشی و معنای فراطبیعی، پیوند ازدواج در کلیسای کاتولیک، اعتبار ازدواج صرفاً با رضایت زوجین حاصل نمی‌شود. این پیوند به عنوان آیینی فیض‌بخش، که نوعی اتحاد با مسیح و کلیسا محسوب می‌شود، قوانین کلیسایی خاص خود را به دنبال داشت. از جمله اینکه ازدواج به عنوان یک مراسم آیینی، باید در کلیسا و در حضور کشیش باشد و از همه مهم‌تر، بعد فسخ‌ناپذیری آن است که به خودی خود، طلاق را غیرممکن می‌سازد و با ازدواج مجدد، آن فرد از شرکت در آیین عشای ربانی محروم خواهد ماند.

مسئله ازدواج در شورای واتیکان دو

از شورای ترنت (قرن ۱۶) تا شورای واتیکان دو (قرن ۲۰)، قوانین سخت کلیسایی، با کم‌ترین انعطاف همچنان حکم‌فرما بود. در دیدگاه کاتولیک، در باب ازدواج و خانواده تغییرات محسوسی دیده نشد. پس از شورای دوم واتیکان و ایجاد نوعی همگرایی و پذیرش سایر فرقه‌های مسیحی، بحث قبول یا عدم قبول ازدواج‌های بین کلیسایی مطرح شد. در سال ۱۹۱۷، در نظام نامه قانون کلیسای کاتولیک (Code of canon Law)، ازدواج کاتولیک با سایر فرقه‌های مسیحی ممنوع اعلام شده بود. با این حال، گاهی چنین ازدواج‌هایی رخ می‌داد. از آنجا که ازدواج از نگاه کاتولیک، آیین فیض بخش (sacrament) محسوب می‌شد، اما پروتستان‌ها آن را عهد و پیمانی (covenant) بین زن و مرد می‌دانند و نگاهی صرفاً عرفی به ازدواج دارند، تلفیق این دو از دیدگاه کاتولیک، مانع انتقال فیض می‌شد. بنابراین، ازدواج یک کاتولیک با مسیحی غیر کاتولیک، (ازدواج ناهمگن) محال به نظر می‌رسید. تا اینکه پس از شورای واتیکان دو، با هدف اتحاد بین کلیساها و با الگو گرفتن از خانواده عیسی، به عنوان خانواده‌ای مقدس، سعی شد این مشکل تحت عنوان خانواده بین کلیسایی (interchurch family) و کلیسای خانگی (domestic church) حل شود. به نظر می‌رسد، این بار نیز آنچه بیشتر برای کلیسای کاتولیک اهمیت داشت، ضرورت اتحاد کلیساها برای مراسم عشای ربانی بود، تا حل مشکل ازدواج‌های ناهمگن. از این‌رو، وقتی از خانواده‌های بین کلیسایی سخن به میان می‌آید، بحث دربارهٔ ضرورت مشارکت در مراسم عشای ربانی، یعنی همان آیینی است که بین کاتولیک و پروتستان مشترک است. کلیسای کاتولیک، برای حل این مسئله سعی کرد به سراغ نشانه‌های کلیسا برود که از جمله نشانه‌های کلیسا، واحد بودن و جامع بودن آن است. افزون بر این برای یافتن پیشینه‌ای الهیاتی از کتاب مقدس، در فهم کلیسای خانگی، از بخش اعمال رسولان (۱۸:۱۶؛ ۳۱:۱۱؛ ۱۴:۱۱) استفاده کرد و اذعان داشت که هسته و بنیان کلیسا، از سوی کسانی گذاشته شده که همه اعضای خانواده مسیحی شدند و به نوعی، اولین کلیسای خانگی به وجود آمده بود.

سرانجام، شورای واتیکان دو، در سند نور ملت‌ها (Gentium Lumen). در سال ۱۹۶۴، برای اولین بار به طور رسمی از اصطلاح «کلیسای خانگی» (domestic church) استفاده کرد (بند ۱۱). و اولین تغییر واقعی در فهم کلیسا از کلیسای خانگی در کلام پاپ پل ششم، در سند انجیل حیات آمد که در این سند، ازدواج‌های ناهمگن (ازدواج یک کاتولیک با مسیحی غیر کاتولیک)، برخلاف قبل، تهدیدی علیه کلیسا محسوب نمی‌شد، بلکه نشانهٔ عهدی بود که اتحاد و تقدس کلیسا و جامع و رسولی بودن آن، را نشان می‌داد. پس از آن پاپ ژان پل دوم، در شورای اسقفان ۱۹۸۰، در سند (در باب مشارکت خانواده)، خانواده را بُعد اساسی و سازنده کلیسا نامید؛ چرا که خانواده مسیحی با پیوند ازدواج، عهد و پیمان عشق مسیح و کلیسا را منعکس می‌کردند. در واقع، مجموع خانواده‌های مسیحی با قبول مشارکت در عشای ربانی، کلیسای خانگی را بنا می‌نهادند. در این سند، عشق بین اعضای خانواده، محرک و شکل دهنده عشای ربانی خانواده (Family Communion) و نیز جامعه (community) اعلام شد و وحدت بین اعضای کلیسا، (که همان خانواده‌های مسیحی‌اند) و وحدت بین تمام فرقه‌های مسیحی، که گاه از خانواده‌ای ناهمگن هستند، همگی بر اساس آیین فیض بخش عشای ربانی ممکن دانسته شد (تمرمان، همان، ص ۱۹).

علت پیگیری بحث ازدواج کاتولیک با سایر فرقه‌های مسیحی، از زاویه‌ای دیگر نیز مطرح شد که بخشی کاملاً نظری و الهیاتی بود؛ اینکه گستره کسب فیض از طریق ازدواج تا چه حد است، آیا ازدواج فردی کاتولیک، با مسیحی غیر کاتولیک، که اصلاً ازدواج را فیض بخش نمی‌داند نیز، می‌تواند فیض بخش محسوب شود؟ مورد دیگر، بررسی ازدواج کاتولیک‌ها با غیرمسیحیان بود. در این مورد نیز کلیسای کاتولیک، این ازدواج را ممنوع و فاقد اعتبار اعلام کرده بود (فانینگ، ۱۹۱۰). اما امروزه، به شرط داشتن مجوز رسمی یا معافیت از کلیسا، که با شرایطی خاص به برخی از افراد داده می‌شود، این ازدواج معتبر محسوب می‌شود؛ هر چند فیض بخش نخواهد بود؛ چرا که یکی از زوجین تعمیم‌نیافته است. به همین دلیل نام این ازدواج را، ازدواج طبیعی یا غیردینی (Natural marriage) نهاده‌اند. در این ازدواج‌های طبیعی نیز زوجین حق طلاق ندارند، مگر اینکه فرد مسیحی بخواهد برای حفظ ایمان خود، طلاق انجام شود. در این صورت مطابق با قانون امتیاز پولس^۳ یا قانون امتیاز پطرس^۴، اجازه طلاق و ازدواج مجدد داده می‌شود (قوانین کلیسای کاتولیک، ۱۹۸۳، ۱۱۴۳-۱۱۴۷).

این موارد اندک، تغییراتی بود که کلیسا با گذر زمان به ناچار به آن تن داد. اما مسائل ناشی از صنعتی شدن و تغییر مدل خانواده، که بعضاً براساس نیاز جامعه امروز یا عدم پاسخ‌گویی قوانین کلیسایی به وجود آمده‌اند، کم نیستند. مسائلی همچون هم‌جنس‌گرایی، هم‌زیستی بدون تعهد ازدواج، کنترل موالید با ابزار جلوگیری از بارداری، سقط جنین، ازدواج مجدد، بدون فسخ قبلی یا پس از طلاق و ... که موجب شد کلیسای کاتولیک در سند سرور و امید (Gaudium et spes)، از اسناد شورای واتیکان دو (بند ۵۲ - ۴۷)، اولین مسئله نگران‌کننده در سطح جهانی را مسئله ازدواج و زندگی خانوادگی بنامد. کلیسای کاتولیک، برای ارتباط با دنیای معاصر براساس واقعیات اجتماعی جاری، شورای پاپی خانواده را تأسیس کرد که در سال ۱۹۸۱، پاپ ژان پل دوم آن را «شورای پاپی امور خانواده»^۵ نامید. این نهاد، شامل کاردینال‌ها و اسقف‌های کشورهای مختلف و نیز مردان و زنان غیرروحانی می‌شود که امور روز را رصد می‌کنند (عبدخدایی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۶-۱۳۳).

به نظر می‌رسد، قلعه الهیاتی کلیسای کاتولیک، با ورود نظریات کارشناسان غیرروحانی، پنجره‌های رو به بیرون گشوده است تا دست کم از دور، مسائل و مشکلات دنیای مدرن را ببیند، بلکه شاید تا پیش از نقب زدن این دیوار الهیاتی و فروپاشی آن، بیشتر بتواند با نسل امروز ارتباط بگیرد و گامی رو به جلو بردارد. این گونه بود که کلیسای کاتولیک، پس از شورای دوم واتیکان، در برخی از قوانین کلیسایی، مثل ممنوعیت ازدواج‌های ناهمگن، که برآمده از دیدگاه فیض‌بخشی ازدواج نزد کاتولیک بود، تغییراتی ایجاد کرد؛ بدون اینکه از این دیدگاه الهیاتی دست بکشد.

دیدگاه پاپ ژان پل دوم و پاپ فرانسیس در باره ازدواج

پس از شورای واتیکان دو پاپ؛ یعنی پاپ ژان پل دوم، که پاپ فرانسیس او را «پاپ خانواده» نامیده است، و پاپ فرانسیس، که متأثر از خود ژان پل دوم است، تأثیرگذارترین افراد در حوزه امور خانواده و ازدواج هستند. با نگاهی به فهرست اسنادی که از سوی ژان پل دوم، در رابطه با خانواده صادر شده، می‌توان به گستردگی چالش‌های آن روز و

تلاش الهی‌دان‌ها برای توجیه و توضیح آن، مباحث چالش برانگیز پی برد. برخی از اسناد ژان پل دوم در اینجا فهرست شده است:

۱. سند (در باب مشارکت خانواده)؛ (familiaris Consortio) موضوع: (خانواده به عنوان «کلیسای خانگی؛ ازدواج)؛ سال ۱۹۸۱.
 ۲. سند (Charter on Rights) (منشور حقوق)؛ موضوع: (حقوق بشر در باب خانواده؛ حیات بشری)؛ سال ۱۹۸۳ این سند در پاسخ به بیانیه حقوق بشر سال ۱۹۴۸ صادر شد.
 ۳. سند (DignitatemMulieris) (در باب کرامت زنان)؛ موضوع: (کرامت زنان) سال ۱۹۸۸.
 ۴. سند (Letter to Families) (نامه به خانواده‌ها)؛ موضوع: (خانواده، محور تمدن عشق و محبت) سال ۱۹۹۴.
 ۵. سند (Evangelium Vitae) (انجیل حیات)؛ موضوع: (ارزش حیات بشری؛ سقط جنین) سال ۱۹۹۵.
 ۶. سند (Letter to Women) (نامه به زنان)؛ موضوع: (پوزش بابت تبعیض) سال ۱۹۹۵.
 ۷. انتشار (code of cannon law) (۱۹۸۳)؛ قوانین کلیسای کاتولیک (هورنزی اسمیت، ۲۰۰۶، ص ۱۵۱).
- ژان پل دوم، براساس واقعیات آن روز، تلاش کرد الهیات مسیحی در باب ازدواج و خانواده را بازتعریف کند. در سند (سرور و امید)، ازدواج به عنوان نوعی عهد و پیمان بر مبنای عشق متقابل زوجین دانسته شد و دیگر نوعی قرارداد محسوب نمی‌شد. در اینجا تلاش شد بُعد عشق فردی بین زوجین پررنگ شود. بر همین اساس، ژان پل دوم، ازدواج را مشارکت دو فرد بر مبنای عشق (communion of love) نامید؛ عشقی که به بیرون تراوش می‌کند. درست مثل اتفاقی که در عشای ربانی می‌افتد: چیزی از درون رخ می‌دهد و به بیرون سرایت می‌کند. بر این اساس، مبنای ازدواج، عشق زوجین است. فرزندان نیز ثمره و تحقق عشق و محبت زوجین هستند. این پیوند دو بعد ذاتی دارد: ۱. بعد متحدکننده که نتیجه آن، ناگسستگی بودن ازدواج و ممنوعیت طلاق است. ۲. بعد تولید نسل که نتیجه آن، فرزندآوری و ممنوعیت جلوگیری از بارداری است. *پاپ ژان پل دوم*، در تبیین ممنوعیت سقط جنین و شبیه‌سازی از اصطلاح «تمدن عشق» (civilization of love) استفاده کرد که وظیفه آن، انسان‌سازی در جهان است. در مقابل، نگاه سودمحور و ضد تمدن سقط جنین و شبیه‌سازی قرار می‌گیرد. او ازدواج را مبنای رسالت خانواده و آیین فیض بخش ازدواج را منبع و ابزار خاص تقدس زوجین و خانواده‌های مسیحی معرفی کرد (رک: تمرمان، ۲۰۱۱).
- اسناد *پاپ ژان پل دوم* حاکی از این است که در قوانین ازدواج، چندان تفاوتی حاصل نشد و صرفاً با یک بیان الهیاتی متفاوت، مطابق با نیاز آن روز مباحث بازتعریف شد. تنها تعبیر مشخص، که در این زمان با کمک ژان پل دوم به وجود آمد، مسئله اعتباربخشی ازدواج‌های ناهمگن بود که مبحث آن پیش‌تر گفته شد. همچنین گام بلندی که او در ایجاد ارتباط کلیسای کاتولیک با واقعیات جامعه، از طریق نهاد پاپی الهیاتی ازدواج و خانواده برداشت.
- پس از *ژان پل دوم*، *پاپ فرانسیس* راه او را ادامه داد. او در فتوای اخیر خود، به نام «توجه همه‌جانبه به خانواده‌ها» (suma familiae cura)، به تمجید از کارهای بزرگی که *پاپ ژان پل دوم*، در حوزه ازدواج و خانواده در

دوره خود انجام داده بود، پرداخت و اذعان داشت که او می‌خواهد با هدف آشنایی مردم جهان، از اقدام *ژان پل دوم* در تأسیس نهاد ازدواج و خانواده، این نهاد را تبدیل به نهادی الهیاتی با منظری علمی کند، تا علاوه بر توجه به ابعاد جدید وظیفه‌شسانی و رسالت کلیسایی، به رشد علوم انسانی و فرهنگ مردم‌شناسی و نیازهای دنیای مدرن نیز توجه شود. در این نهاد جدید، به عنوان «مرکز مرجع آکادمیک»، دانشجویان در مقاطع تحصیلی مختلف، در باب علوم ازدواج و خانواده پژوهش می‌کنند که براساس دو بعد الهیاتی و علمی و با بررسی «تمام حیطه‌های مطالعات انسانی»، اعم از دیدگاه‌های جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و روان‌شناسی بنا شده است (هریس، ۲۰۱۷). گفته می‌شود منشور (*magna carta*) این نهاد، براساس اندرز شسانی^۶ پاپ *فرانسیس* به نام «لذت عشق» نوشته شده است (*Amoris Laetitia*). این سند، دیدگاه پاپ *فرانسیس* و حاصل شوراها^۷ بود که در باب خانواده، در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ برگزار شده بود. پاپ سال ۲۰۱۶ یعنی سال انتشار سند لذت عشق، را سال «رحمت» نامید و از کلیسا خواست که به مسائل مربوط به خانواده، با دید رحمت بنگرد و از نگاه انتزاعی و صرفاً الهیاتی بپرهیزد و به جای قضاوت کردن، شنونده خوبی باشد. او رهنمودهایی را در باب چگونگی برخورد کلیسا با مسائلی چون طلاق، زوج‌های هم‌جنس‌گرا و روابط جنسی پیش از ازدواج مطرح کرد. یکی از پرمنافشه‌ترین بحث‌ها در این سند، مسئله طلاق و اجازه ورود به مراسم عشای ربانی، به کاتولیک‌هایی بود که پس از طلاق مدنی، مجدداً ازدواج کرده بودند. پاپ *فرانسیس*، با تأکید دوباره بر ماهیت فیض‌بخشی ازدواج و فسخ‌ناپذیری آن، بر ماهیت انتقالی (*transmissional*) عشق بین زوجین نیز توجه داد؛ به این معنا که یکی شدن در ازدواج، امری نیست که ناگهانی و یک دفعه رخ دهد. پس این تعهد و سرسپردگی، باید مرتب تجدید و تکرار شود.

جنبه‌ای‌ترین بخش این سند، فصل ۸ بود که پاپ *فرانسیس* در مورد افرادی که طلاق انجام داده‌اند و مجدداً ازدواج کرده‌اند، از تعبیر «اتحاد بی‌قاعده» (*illegular*) استفاده می‌کند. وی معتقد است: باید این افراد را با اعمال شسانی به حیات کلیسا برگرداند. به نظر *فرانسیس*، بین اتحاد قاعده‌مند و بی‌قاعده‌ی ازدواج، تفاوتی فاحش وجود دارد، اما خدا می‌خواهد همه را تحت فیض خود آورد. آنچه این سند را بسیار به چالش کشاند، بخش پاورقی ۳۵۱ این سند بود که در مورد حضور افراد طلاق داده و ازدواج کرده، به مراسم عشای ربانی بحث می‌کرد. پس از صدور این سند، به خصوص پاورقی ۳۵۱، اختلافات بین اعضای محافظه‌کار و لیبرال کلیسا بالا گرفت. سرانجام، گروهی ۴۵ نفره طی فراخوانی از تمام کاردینال‌ها می‌خواهند که پاپ را وادار کنند تا مواردی را که در تضاد با ایمان کاتولیک هست، رد کند. در نهایت، چهار کاردینال طی بیانیه (شبهه) (*Dubia*)، رسماً از پاپ توضیح می‌خواهند. اما پاپ حاضر به پاسخ‌گویی نمی‌شود. برخی در دفاع از کار پاپ، معتقد بودند: او بر خلاف ایمان کاتولیک سخن نگفته و تنها با رویکردی بشری و شسانی و نه صرفاً الهیاتی به مسئله نگرسته است (پاپ فرانسیس، ۲۰۱۶).

روشن است که پاپ *فرانسیس*، با اینکه از مجمع اسقفان می‌خواهد به جای ارائه پاسخ خشک و انتزاعی الهیاتی به مسیحیان، با دید رحمت بنگرد و به مسائل واقعی زندگی مردم توجه کنند، تصمیم‌گیری در مورد امور خانواده را

به مجمع اسقفان واگذار کرد. نتیجه کار شورا این بود که بر جنبه‌های الاهیاتی ازدواج، مبنی بر محبت ناگسستگی تأکید شد. البته به کلیسای‌های محلی اجازه داده شد به حسب مورد، به افراد مطلقه‌ای که دچار محذور می‌شوند، اجازه شرکت در عشای ربانی داده شود. (مفتاح و عبداللهی، ۱۳۹۶).

از این رو، معلوم می‌شود کسانی که دغدغه‌های عینی تری دارند، به دنبال آن هستند که مسئله ازدواج را از زیر بار مفاهیم الاهیاتی و نیز قوانین پیچیده کلیسایی مترتب بر آن برهانند.

نتیجه‌گیری

در دین یهودیت، برای ازدواج چارچوبی فقهی و حقوقی تعریف شده است. حتی عیسی به عنوان یک ربی یهودی متعهد، خود و پیروانش را ملزم به رعایت قوانین دین یهود می‌دانست. در حالی که با توصیه‌های اخلاقی، که نمونه آن را در موعظه بالای کوه می‌بینیم، بر بُعد اخلاقی قوانین و شریعت تأکید داشت. پس از آن، پولس با تأکید بر محبت به مسیح، احکام شریعت را در مسیحیت کم‌رنگ کرد و در تبیین پیوند مسیح و کلیسا، از استعاره پیوند زن و مرد در ازدواج استفاده کرد تا اندکی بار الاهیاتی به آن داده باشد. البته توصیه او به مجرد بودن و ازدواج، صرفاً راه‌حلی برای نابودی و ریشه‌کنی و فرونشاندن میل جنسی برای مسیحیانی بود که قدرت کافی برای مجرد نداشتند. پس از پولس، نگاه منفی آگوستین به شهوت و آمیزش جنسی موجب شد که او از سوگند وفاداری زوجین در حین ازدواج در کلیسا و ارتباط آن، با پیوند ناگسستگی مسیح، و کلیسا و حضور فیض بخش مسیح در مراسم ازدواج، استفاده کند تا در مقابل دیدگاه‌های مخالف، از خوب بودن ازدواج به این شکل و با این تبیین دفاع کند. به این ترتیب آگوستین، برای ازدواج که تا پیش از این امری طبیعی، با معنایی عرفی و مرسوم بود، معنایی الاهیاتی و فراطبیعی تحمیل کرد. در اینجا ما به گونه‌ای شاهد تقدس‌زایی و فرهیبهی معنای ازدواج هستیم، به طوری که بعدها مسیحیان، هنگام برگزاری مراسم ازدواج بیشتر احساس می‌کردند که در حال اجرای آیینی عبادی هستند. اکنون این ازدواج، به خاطر پشتوانه الاهیاتی آن؛ یعنی پیوند زن و مرد، به مثابه پیوند ناگسستگی مسیح و کلیسا، دیگر هرگز، حتی هنگام طلاق، قابل فسخ نبود و به دلیل انتقال فیض، حتماً باید در کلیسا و در حضور کشیش صورت می‌گرفت. با این تبیین الاهیاتی آگوستین، ازدواج مجدد حتی برای فرزندآوری، که هدف اصلی ازدواج است، به دلیل عدم هماهنگی با وحدت شهر خدا، ممنوع اعلام شد. بعدها کلیسای کاتولیک، بدون توجه به نظرات مخالف، رسماً مراسم ازدواج را به عنوان هفتمین آیین فیض بخش به رسمیت شناخت؛ به این صورت نهاد ازدواج، که تا پیش از این نگاهی غیر الاهیاتی به آن می‌شد، وارد حوزه الاهیات شد و قوانینی متناسب با این نگاه الاهیاتی، به آن افزوده شد. از جمله آن قوانین، قانون عدم جواز شرکت در مراسم عشای ربانی برای مسیحیانی، که پس از متارکه، ازدواج مجدد کرده باشند. به این ترتیب، دینی که می‌خواست محبت را جایگزین احکام شرعی کند، در قرون وسطی قوانین پیچیده‌ای وضع کرد که چالش‌هایی را برای مسیحیان پدید آورده است. پایبندی به این احکام برای مؤمنان مسیحی متعهد، بسیار سخت و چالش برانگیز شده است. برای سایر مسیحیان، با عدم پایبندی به آن، جامعه ایمانی را کوچک‌تر

کرده است. تا پیش از شورای دوم واتیکان، کلیسای کاتولیک سرسختانه برای حفظ و بقای قوانین کلیسایی تلاش می‌کرد. اما به تدریج، تعهد دینی مسیحیان کمرنگ‌تر شد، به خصوص اینکه مسیحیت پروتستان، با عدم قبول ازدواج به عنوان آیین فیض‌بخش و نگاهی غیر الاهیاتی به آن، هیچ یک از قوانین کلیسایی کاتولیک در این باب را نپذیرفت. از این رو، به تدریج پس از شورای دوم واتیکان، تغییراتی در قوانین کلیسای کاتولیک رخ داد و کلیسای کاتولیک در برخی موارد، همچون اعتباربخشی به ازدواج‌های ناهمگن، از خود انعطاف نشان داد که بی‌شک تلاش‌های پاپ ژان پل دوم در این راستا، بی‌تأثیر نبوده است. اما آنچه پاپ کنونی، یعنی پاپ فرانسیس بر آن تأکید می‌کند، توجه بیشتر به مشکلات واقعی زندگی مسیحیان است؛ همان مشکلاتی که برآمده از قوانین کلیسایی است و به دلیل تبیین الهیاتی متفاوت کلیسای کاتولیک از مسئله ازدواج و خانواده و به دنبال ارتباط آن، با مفهوم پیوند ناگسستنی مسیح و کلیسا به وجود آمده است. پاپ فرانسیس، در مرحله اول سعی می‌کند این تبیین الهیاتی را بازتعریف کند و اظهار می‌دارد که عشق و اتحاد زوجین، که نشانه عشق و اتحاد مسیح و کلیساست، به گونه‌ای نیست که ناگهانی رخ دهد و گاه این اتحاد، به شکلی بی‌قاعده رخ می‌دهد. این در مواردی است که فردی طلاق انجام می‌دهد و مجدداً ازدواج می‌کند. در حالی که خداوند می‌خواهد فیض خود را شامل همه کند. پاپ فرانسیس، با این تبیین الهیاتی بدون آنکه از اصل فیض‌بخشی ازدواج دست بکشد، از مجمع اسقفان می‌خواهد که به جای تأکید بر بُعد الهیاتی و معنای فراطبیعی مسئله، با عمل شبانی در مواردی اجازه دهند که این دسته از مسیحیان نیز حق شرکت در مراسم عشای ربانی را داشته باشند. به هر حال، قرار بر این شد که در موارد خاصی، کلیسای محلی به افرادی که چاره‌ای جز استمرار وضع موجود ندارند، اجازه شرکت در مراسم عشای را ربانی بدهند. به این ترتیب، معلوم می‌شود تحمیل بار الهیاتی به یک مسئله غیر الاهیاتی و به تبع آن، وضع قوانین پیچیده کلیسایی مشکل آفرین خواهد بود. عملکرد پاپ فرانسیس، بیانگر این است که در مسئله ازدواج افراط و تفریط‌هایی صورت گرفته است که نیاز به چاره اندیشی دارد.

پی‌نوشت

۱. (Encratic)؛ گروهی از زاهدان مسیحی قرن دوم که پرهیز از نوشیدن شراب، خوردن گوشت و ازدواج از جمله از عقاید آن‌ها بود.
۲. موارد منع ازدواج (Diviment Impediments) به تفصیل در قوانین کلیسایی فهرست شده است (can. 1108-23 code of canon Law).
۳. Pauline privilege؛ اشاره دارد به امتیازی که پولس به فرد مسیحی برای طلاق از فردی غیرمسیحی به خاطر حفظ ایمان خود می‌دهد (اول قرنیتیان ۷: ۱۰-۱۵).
۴. Petrine Privilege؛ براساس قانون امتیاز پطرس، پاپ به عنوان جانشین بر حق پطرس، در صورتی که ایمان مسیحی در خطر باشند، حق فسخ ازدواج طبیعی را دارد؛ (اول قرنیتیان ۷: ۱۰ - ۱۵).

5 John paull II Pontifical theological institute for marriage and family sciences (1982)

۶ اندرز شبانی یک سند رسمی کلیسایی است که درصدد تنظیم دکترینی جدید برای کلیسای کاتولیک نیست و بار الهیاتی یک بخش‌نامه (encyclical) را هم ندارد.

منابع

کتاب مقدس، ترجمه انجمن کتاب مقدس.

تعالیم کلیسای کاتولیک، ۱۳۹۳، ترجمه احمدرضا مفتاح، حسین سلیمانی، حسن قنبری، قم، ادیان و مذاهب،

آگوستین، ۱۳۹۲، *تسهر خدا*، ترجمه حسین توفیقی، چ دوم، قم، ادیان و مذاهب.

آترمن، آلن، ۱۳۸۵، *باورها و آیین‌های یهودی*، ترجمه رضا فرزین، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.

عبدخدایی، مجتبی، ۱۳۸۵، *واتیکان (کلیسای جهانی کاتولیک)*، تهران، انتشارات بین‌المللی المهدی.

مفتاح، احمدرضا و محمدحسن عبداللهی، ۱۳۹۶، «مساله طلاق در کلیسای کاتولیک معاصر»، *پژوهش‌های ادیانی*، ش ۹، ص ۲۸۵.

Babylonian Talmud (yebamoth,62b),www.come-and-hear.com, yebamoth.

Belz, Yossi, 2010, *jewish marriage and weddings*, Judaica Guide; ajudaica.com

Catholic Church, 2004, *Catechism Of The Catholic Church*, London, Burns and Oates

Code of Canon Law, 1983, Prepared under the auspices of the canon law society of America,
Canon law society of America

E.Mick, Lawrence, 2007, *marriage understanding the sacraments*, Minnesota, Liturgical press

Fanning, William, 1910, *Mixed marriage in catholic*, New York, Encyclopedia

G. Hunter, David, 2007, *marriage celibacy and Hersey in Ancient Christianity*, Oxford university Press

Harris, Elise, Sep19, 2017, *Pope Francis retools John Paul II Institute for Marriage and family*, www.
catholic news agency (CAN).com

Hornsby-Smith, Michael P, 2006, *An Introdoction To The Catholic Social Thought*, Cambridge
University Press

Knight, Kevin, copyright 2017, (of) *on the good of marriage (St Augustine)*, www.newadvent.Org/fathers/1309.htm

Knight, Kevin, Copyright 2017, sacrament of marriage, *catholic encyclopedia*, www.NewAdvent.org

Kung, Hans, 2002, *women in christianity*, London, Bloomsbury publication

marriage in the catholic church, The council of Trent (session 24), Wikipedia.org.

Mortos, Joseph, 2015, *Deconstructing sacramental theology and Reconstructing Catholic Ritual*, USA,
Resurce Publication.

Moxnes, Halvor, 1997, *Constructing early Christian families: families as social reality and metaphor*,
London, Routledge publication.

Pope Francis, March19,2016, *Amoris Laetitia*, Wikipedia.

Swindler, Leonard, 1971, *Jesus was a feminist* , www.Gods Word to Women.org

Temmerman, Rey, 2011, *Interchurch families as Domestic Church familial experiences and ecclesial
opportunities*, Canada, University of Winnipeg